

מחזור - תש"א

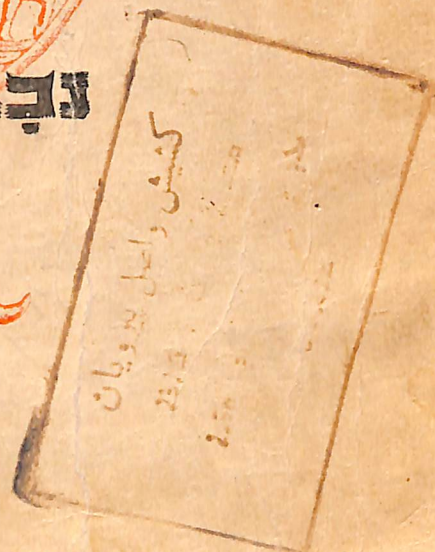
המחזור השלישי

המחזור השלישי



המחזור השלישי

1950





کشیش واصل پیرویان

مکتبہٴ اسلامیہ ۲۵۲۹

مکتبہٴ اسلامیہ ۲۵۲۹

۲۵۲۹

مکتبہٴ اسلامیہ ۲۵۲۹

مکتبہٴ اسلامیہ

مکتبہٴ اسلامیہ ۲۵۲۹



مکتبہٴ اسلامیہ

مکتبہٴ اسلامیہ

1950

۲۵۲۹











فعلك الله بعدد ما في كتابه من صفات  
 وكمالاته وبقدر ما في قلبه من  
 وكمالاته (628 - 690) صفات وكمالات  
 بكنه تعجبكم وكنهات بكنهات بكنهات  
 بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات  
 بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات

بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات  
 بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات  
 بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات  
 بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات  
 بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات  
 بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات  
 بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات  
 بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات

بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات  
 بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات  
 بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات  
 بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات

بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات  
 بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات  
 بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات

«1» أحسن العدل نصره الظلوم

التي بدت بغري علم لعمارة الطلوع تذكرو ولا تبزع عن مكانها  
 بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات  
 بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات  
 بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات  
 بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات  
 بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات  
 بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات  
 بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات

«1» من كان له قلب سليم لم يدر الكفر  
 بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات  
 بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات  
 بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات بكنهات























[illegible][illegible][illegible][illegible]



























١٠  
 ١١  
 ١٢  
 ١٣  
 ١٤  
 ١٥  
 ١٦  
 ١٧  
 ١٨  
 ١٩  
 ٢٠  
 ٢١  
 ٢٢  
 ٢٣  
 ٢٤  
 ٢٥  
 ٢٦  
 ٢٧  
 ٢٨  
 ٢٩  
 ٣٠  
 ٣١  
 ٣٢  
 ٣٣  
 ٣٤  
 ٣٥  
 ٣٦  
 ٣٧  
 ٣٨  
 ٣٩  
 ٤٠  
 ٤١  
 ٤٢  
 ٤٣  
 ٤٤  
 ٤٥  
 ٤٦  
 ٤٧  
 ٤٨  
 ٤٩  
 ٥٠  
 ٥١  
 ٥٢  
 ٥٣  
 ٥٤  
 ٥٥  
 ٥٦  
 ٥٧  
 ٥٨  
 ٥٩  
 ٦٠  
 ٦١  
 ٦٢  
 ٦٣  
 ٦٤  
 ٦٥  
 ٦٦  
 ٦٧  
 ٦٨  
 ٦٩  
 ٧٠  
 ٧١  
 ٧٢  
 ٧٣  
 ٧٤  
 ٧٥  
 ٧٦  
 ٧٧  
 ٧٨  
 ٧٩  
 ٨٠  
 ٨١  
 ٨٢  
 ٨٣  
 ٨٤  
 ٨٥  
 ٨٦  
 ٨٧  
 ٨٨  
 ٨٩  
 ٩٠  
 ٩١  
 ٩٢  
 ٩٣  
 ٩٤  
 ٩٥  
 ٩٦  
 ٩٧  
 ٩٨  
 ٩٩  
 ١٠٠

١٥١  
 ١٥٢  
 ١٥٣  
 ١٥٤  
 ١٥٥  
 ١٥٦  
 ١٥٧  
 ١٥٨  
 ١٥٩  
 ١٦٠  
 ١٦١  
 ١٦٢  
 ١٦٣  
 ١٦٤  
 ١٦٥  
 ١٦٦  
 ١٦٧  
 ١٦٨  
 ١٦٩  
 ١٧٠  
 ١٧١  
 ١٧٢  
 ١٧٣  
 ١٧٤  
 ١٧٥  
 ١٧٦  
 ١٧٧  
 ١٧٨  
 ١٧٩  
 ١٨٠  
 ١٨١  
 ١٨٢  
 ١٨٣  
 ١٨٤  
 ١٨٥  
 ١٨٦  
 ١٨٧  
 ١٨٨  
 ١٨٩  
 ١٩٠  
 ١٩١  
 ١٩٢  
 ١٩٣  
 ١٩٤  
 ١٩٥  
 ١٩٦  
 ١٩٧  
 ١٩٨  
 ١٩٩  
 ٢٠٠

[illegible]











١٠ قلوب يرفع يده يده في الدنيا في الدنيا في الدنيا  
 كما لا يرفع يده يده في الدنيا في الدنيا في الدنيا  
 من يرفع يده يده في الدنيا في الدنيا في الدنيا  
 والحمد لله رب العالمين

١١ قلوب يرفع يده يده في الدنيا في الدنيا في الدنيا  
 كما لا يرفع يده يده في الدنيا في الدنيا في الدنيا  
 من يرفع يده يده في الدنيا في الدنيا في الدنيا  
 والحمد لله رب العالمين

١٢ قلوب يرفع يده يده في الدنيا في الدنيا في الدنيا  
 كما لا يرفع يده يده في الدنيا في الدنيا في الدنيا

١٣ قلوب يرفع يده يده في الدنيا في الدنيا في الدنيا  
 كما لا يرفع يده يده في الدنيا في الدنيا في الدنيا  
 من يرفع يده يده في الدنيا في الدنيا في الدنيا  
 والحمد لله رب العالمين

١٤ قلوب يرفع يده يده في الدنيا في الدنيا في الدنيا  
 كما لا يرفع يده يده في الدنيا في الدنيا في الدنيا  
 من يرفع يده يده في الدنيا في الدنيا في الدنيا  
 والحمد لله رب العالمين

١٥ قلوب يرفع يده يده في الدنيا في الدنيا في الدنيا  
 كما لا يرفع يده يده في الدنيا في الدنيا في الدنيا







محکم که این چنین عهدی و پیمانی هیچ پیغمبری از پیغمبران نبستند و هیچ ملکی از ملایکه مقرب را میسر نشد که در باب طاعت و ایتسای فرایض نبوده باشد پس آنکه آنکه امت من باشد باید که وفا بدهد و عهد نماید و نگاهداری ایشان کنند و اعانت ایشان را و مومنان لازم دانند و نگاهداری ایشان کنند در این ناحیه که باشند خواه و خواه نزدیک در جماعت ایشان و جاهائیکه آنها عبادت پروردگار میکنند و جاهائیکه رهبانان و کشیشان میباشند و در هر مکانیکه از امثال کوهستانها و بیابانها و عمارتها و سنگستانها و همواریها و بناهائیکه بوده باشد نگاه داشت ایشان نماید و دین ایشان و ملک ایشانرا محفوظ نمایند اگر در طرف مشرق و اگر در طرف مغرب و اگر در دریا و اگر در خشکی آنهائیکه رعایت خاطر ما مینمایند باید این گروهرا داخل در امن و امان دانند و هر آزاری و مکر و هوی که ایشانرا ساینج باشد محافظت و معاونت ایشان را بر خود لازم شناسند چرا که ایشان رعیت منند و اهل ذمه منند و اتباع و اعوان امت منند و بدین سبب واجب است بمن رعایت و حفظ و حراست ایشان را از هر مکر و هوی و آزاری و دفع کسانی که سبب آزار ایشان باشند و باید در مطالبات و خراج زیاده از قدر طاقت ایشان طلب ننمایند و از آنچه ایشان بآن راضی باشند درنگذرند و ظلم و ستم بایشان نکنند و تغییر در بناهای ایشان ندهند و کشیشانرا از عمل خود باز ندارند و نصرانیرا مانع آئین و مذهب که دارند نشوند و در صومعه و معبد خود بهر طریق که خواهند عبادت کنند و در تخریب و انهدام

کلیسای ایشان سعی جایز ندارند و از خانه و عمارات آنها داخل مساجد و بیوت اهل اسلام بعنف و تعدی و غصب ننمایند مگر برضای ایشان.

پس کسی که از فرموده درگذرد و خلاف معهود بجای آورد پس عهد و میثاقرا باطل کرده خود را غضب خدا و رسول خدا آورده باشد و از ایشانرا زیاده از یکدینار جزیه طلب نمایند یا یک جامعه خریمنی و آنچه خراج از ایشان حاصل میشود برای اعانت مسلمانان خواهد بود که داخل بیت المال نموده و در مصرف معین صرف نمایند و زیاده از این طلب ننمایند هر چه از اهل تجارت و صاحب جمعیت خواه در بحرغواصی کنند و خواه معدن طلا و نقره یا مال بسیار بدست داشته باشد از نذر زیاده از دوازده درهم طلب ننمایند بشرطیکه متوطن و قایم مقام باشند و از اهل ذمه جمعی که راه گذر باشند و از سکنه بلاد نباشند و جای و مقام نداشته باشند خراجی و جزیه طلب ندارند مگر آنکه در دست ایشان از میراث و غیره چیزی باشد که مال و حق امام در آن باشد پس همان حق را از او طلب نمایند و جو و رستم بر او روا ندارند مگر بقدر طاقت او و طمع در عمارت و زراعت و بیوت آنها ننمایند و اهل ذمه را تکلیف نکنند که با مسلمانان اتفاق نمایند و در رفع اعدای دین در محاربه و مقاتله که مسلمانان را باغیر ملت واقع شود و اهل ذمه را تکلیف نمایند که با ایشان برسر اعدا خروج نمایند و اگر ایشانرا دشمنی به پیش آید مسلمانان اسب و سلاح محاربه را از ایشان تقصیر نکنند پس بدین



سبب پسندیده افعال خواهد بود احدی از اهل ذمه را به تعدی و جبر باسلام نیاورند و جدل نمایند به نیکوتر وجهی و بالمرحمت و عاطفت خود را برایشان گسترده و دفع ضرر اهل شر را از ایشان نمایند در هر مکانی و در هر جائیکه باشند از اهل ذمه جنایتی نمایند در قتل و خطاء و غیره همه اهل در باب او لازم دانند که زیادت از ما فرض الله از او طلب ندارند و طریق اصلاح را فیما بین ایشان جاری دارند و از فرموده آیه ( وافی هدایه فاماً مناً و انه خیر ) درنگذرند بعد از این عهد و میثاق و اعطای جزیه و خراج احدی از امت را با ایشان دست نه بست و مجبئی ندارند و ایشان را نیز با اهل اسلام مهمی و بهیچوجه نیست و نخواهد بود تا آن زمانیکه خدا بخواهد و همچنین مسلمانان به تعدی ازدواج و ابکار ایشان را بیرخصت ایشان تصرف نمیتوانند کرد مگر آنکه برضا و رغبت تمام خود در حبالة مسلمانان راضی گردند و به نکاح مسلمانان به عقد و دوام یا غیر در آتیه و موقوف برضای ایشان دارند که هر که را دوست دارند و راضی شوند مختارند و بعد از آنکه در نکاح ایشان در آیند آن زن را به نصرانیت خود واگذارند و منع از عبادتخانه نصرانی نکنند و در دین و آئین خود بدان طریقی که خواهد سلوک نمایند و از اقتدا بجماعت رهبانان آن زن را مانع نشوند و جبر و اکراه نمایند در ترك و رفض آئین و دین که دارند پس اگر از فرموده ( نکثو ) به عهد نامه تخلف نمایند مخالفت خدا کرده باشد و نزد پیغمبر عاصی باشند عیاذ بالله بسبب نقص میثاق رسول خدا نزد حق سبحانه و تعالی از کاذبان نوشته شود بر اهل ذمه راست و تعمیر

مساجد و عبادتخانهها و صومعهها که داشته باشند در مصلحت دین خود کرده ناحیه مسلمانان معاونت و امداد خود را در باره ایشان دریغ ندارند و این اعانت را از قبیل ترحم و مرحمت بشمارند پس ایشان اطاعت کرده اند و امان خواسته اند و در پناه ما آمده اند اعانت و امداد ایشان در این باب لازم است و اگر کسی از ایشان رسول باشد و مصلح باشد سایر مسلمانان منع رسالت او ننمایند و اگر اعانت و امداد امت نمایند قبول دارند پس اگر او را منع نمایند از سلك ظالمان باشند و نزد رسول الله عاصی بوده باشند و خلاف وصیت آن حضرت نموده باشند این است شرط حضرت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله با ملت نصرانی شرطنامه که بعد از وصیت مذکور فرموده و مقرر نمود آن حضرت با ایشان در دین و آئین آن جماعت امری چند را که اهل ذمه بر ذمه خود واجب داشته اند از آنرا جایز ندانند و وفا بعهد و پیمان نمایند یکی آنکه معاونت مشرکین اهل حرب را آشکار و پنهان نکنند و دشمنان مسلمانان را در خانه خود راه که در حمل فرصت با اهل اسلام دست یابند و اهل حرب را در خانه خود و صومعه خود فرود نیاورند و آنها را یاری و امداد ننمایند و سلاح تیر و شمشیر و اسب و غیره و مشرکین را طریق گیر یاد ندهند و مال خود را امانت بآنها نسپارند و حاجت خود را نزد اهل حرب نبرند بزبان و بدست امداد اهل حرب نکنند مگر در بلادیکه تقسیه لازم باشد و اگر مسلمانانی در حوالی ایشان واقع شود تا سه روز و شب رعایت او را بر خود لازم دانند زیاده لازم نیست و آزار و اذیت اهل شر را از مسلمانان دور گردانند و اگر احتیاج افتد پنهان کردن یکی از



مسلمانان در منازل و اطاق عمارات خود او را جائی دهند و مادامیکه پنهان باشند در حفظ تغافل جایز ندارند و فرزندان و زنان مسلمانانرا بدشمنان نمایند و نشان ندهند و از فرموده نگذرند پس اگر کسی از اهل ذمه در امری از این امور تهاون و تقصیر نمایند و شرط و عهد ..... نموده باشند پس بیزار است از او و خدا و رسول خدا باو خصمی خواهد نمود باید وفا به عهد و شرط را بر خود لازم و واجب شمرد تا در روزیکه خدای تعالی خواسته باشد و شاهد است با این عهد نامه این خط در میان رهبانان و روسای ایشان از حضرت محمد المصطفی صلی الله علیه و آله خواهد بود و شرطنامه در میانست والله اعلم حکم صورت امضای خلفاء و صحابه کبار که در روزنامه های خارجه نقل میشود شهادت میدهند براین مکتوبیکه محمد رسول الله برای نصاری نوشته و بآنها شرطیتاً قرارداده و عهد بسته است .

ابو بکر صدیق عمر بن خطاب عثمان بن عفان علی ابن ابی طالب علیه السلام معاویه ابن ابی سفیان ابودردا ابوزر ابوبراه عبدالله ابن مسعود عبدالله ابن عباس حمزة ابن المطالب فضل ابن عباس زبیر ابن عوام طلحة ابن عبدالله سعد ابن معاذ سعد ابن عبادہ ثابت ابن متهب یزید ابن ثابت عبدالله ابن یزید سهل ابن سیف عثمان ابن مظعون داود ابن حبه ابوالعالیه عبدالله ابن العمر القاضی ابو حدیفه ابن عسیر بن ربيعة عمار ابن یاسر هاشم ابن عصبه حسن ابن ثابت کعب ابن کعب کعب ابن مالک جعفر ابن ایطال رضوان الله علیهم اجمعین نوشت این عهد نامه را معادیة ابن ابوسفیان باملاء رسول خدا روز دوشنبه آخر ماه چهارم از سال چهارم از هجرت بمدينه علی صاحبها افضل السلام و کفی بالله شهیداً علی مافی هذا الكتاب .



